

بررسی وجوه تفاوت و تشابه سبک زندگی رهبران انقلابی (امام خمینی، ماندلا و گاندی)

امیر عظیمی دولت‌آبادی^۱

سعیده داوری مقدم^۲

چکیده: سبک زندگی، زبان هویت فردی و اجتماعی محسوب می‌شود. افراد هویت خود را از طریق گزینش‌های معناداری که از میان کالاها و الگوهای رفتاری انجام می‌دهند، ابراز می‌کنند و همبستگی درون‌گروهی و تمایزهای بین‌گروهی خود را نیز به تصویر می‌کشند. سبک زندگی برخی افراد در شرایط خاص به‌عنوان الگو و نمادی برای این همبستگی‌ها و تمایزها عمل می‌کند. به‌ویژه در شرایط بحرانی، سبک زندگی رهبران انقلابی نقش مهمی در این تمایز بخشی‌ها ایفا می‌نماید. این پژوهش با بررسی سبک زندگی سه رهبر انقلابی معاصر - امام خمینی، گاندی و ماندلا - بر آن است تا نشان دهد که چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین سبک زندگی آن‌ها وجود داشته است. یافته‌های پژوهش با استفاده از روش کیفی و فن تحلیل مضمون، نشان داد که علی‌رغم برخی تفاوت‌ها که بعضاً مهم نیز هستند، هر سه این رهبران تقریباً سبک زندگی مشابهی داشته‌اند و در بیشتر مؤلفه‌ها و شاخص‌ها، مشابهت‌های آن‌ها بیشتر از تفاوت‌هایشان بوده است.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، امام خمینی، گاندی، ماندلا، رهبران انقلابی.

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی انقلاب، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

E-mail: aazimii@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

E-mail: saiede.davari.moghaddam@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

پژوهشنامه متین/سال بیستم /شماره هفتادونه/ تابستان ۱۳۹۷/ صص ۱۲۳-۹۳

۱. بیان مسئله

نقش رهبران در انقلاب‌ها و در طول فرآیند یک انقلاب یکسان نیست و از انقلابی به انقلاب دیگر تفاوت می‌کند. در واقع رهبران انقلابی مختلف برای طراحی ایدئولوژی انقلاب، توصیف و تبیین نابسامانی‌های موجود جامعه، پا گرفتن، رشد و شکوفایی بسیج توده‌ای، حفظ وحدت بین رهبران انقلابی، برقراری وحدت بین مردم و سازمان‌های انقلابی، امید دادن به مردم در جهت نابودی نظام حاکم و رفع نابسامانی‌های موجود جامعه، ترسیم نمای دلپذیر از جامعه آرمانی و آماده کردن مردم برای فداکاری و جان‌فشانی برای تحقق آرمان‌های انقلاب، نقش اساسی ایفا می‌کنند، به طوری که به عقیده برخی محققان بدون وجود رهبران، یا جنبش پا نمی‌گیرد و یا شکست می‌خورد (پناهی ۱۳۹۱: ۳۸۳).

نقش عامل ایدئولوژی در پیروزی انقلاب‌ها، تأثیر رهبران در فرآیند انقلاب‌ها را به خوبی نشان می‌دهد. رهبران انقلابی ایدئولوژی انقلابی را تولید یا در صورت موجود بودن، صیقل داده و تبلیغ می‌کنند و نقش مهمی در تنظیم راهبردها و روش‌های مبارزه و طرح نظام سیاسی و اقتصادی جدید ایفا می‌کنند (ملکوتیان ۱۳۸۹: ۳-۲).

از طرفی به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، در فرآیند انقلاب، میان ایدئولوژی و هویت‌سازی پیوندی تعیین‌کننده نهفته است. ایدئولوژی‌های مختلف به‌عنوان دستگاه‌های گفت‌وگویی، در پی تأسیس هویتی خالی از تعارض، یکپارچه و ناب و خالص بوده‌اند (بشیریه بی تا: ۷-۶). رهبران انقلابی نیز از آنجاکه معمولاً نقش فکری یا ایدئولوژی پرداز را در انقلاب‌ها ایفا می‌کنند، در پی هویت‌سازی برای انقلابیون هستند. این هویت شکل‌هایی از مقاومت جمعی را در برابر آنچه ظلم و ستم رژیم حاکم خوانده می‌شود، ایجاد می‌کند (کاستلز ۱۳۸۰: ۲۷-۲۴). نکته حائز اهمیت، چگونگی شکل‌گیری این هویت جدید یا هویت انقلابی است. به عقیده گیدنز زبان هویت اجتماعی، سبک زندگی است (گیدنز ۱۳۷۸: ۱۲۰). سبک زندگی آن‌گونه که در مطالعات فرهنگی مطرح می‌شود در کانون هویت فردی یا گروهی قرار می‌گیرد، چراکه فرد هویت خود را به واسطه گزینش‌های معناداری بیان می‌کند که از میان انبوهی از اقلام و الگوهای معین رفتاری ممکن که حکم رمزگان نمادین را دارند، صورت می‌دهد. در واقع سبک زندگی مهم‌ترین راه شناخت خودی از بیگانه است. با پذیرش این فرض، می‌توان تصور کرد که افراد یا گروه‌هایی برای نمایش تفاوتشان با دیگران و اثبات منحصر به فرد بودنشان، از سبک زندگی خاصی استفاده کنند (الفت و سالمی ۱۳۹۱: ۲۲).

در فرآیند انقلاب نیز، یکی از راه‌های نفوذ رهبران ایدئولوژی پرداز و هویت‌ساز، در پیش گرفتن سبکی خاص برای زندگی است که جلوه نمادین برای هویت انقلابی محسوب شود. این سبک خاص مسلماً در تضاد با سبک زندگی خواهد بود که نظام حاکم در پی حفظ و ترویج آن است. مؤلفه‌های سبک زندگی رهبران را می‌توان در کردار فردی و اجتماعی آنان و همچنین در گفته‌ها و نوشته‌های به‌جای مانده از ایشان مشاهده کرد. این سبک در قیاس با سبک زندگی که رژیم حاکم در پی مشروعیت بخشی به آن است، معنا پیدا می‌کند. در واقع انقلاب، سبک زندگی جدیدی جایگزین سبک حاکم می‌کند و به نوعی می‌توان آن را شکلی از مقاومت در برابر نظم اجتماعی حاکم و در زمره مبارزه و جنگ نرم با حاکمیت دانست. این سبک انقلابی به تدریج باعث تغییرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... در جامعه می‌شود که زمینه‌ساز پیروزی انقلاب‌ها خواهد شد.

طبیعتاً همه رهبران انقلابی سبک و سیاقی را در زندگی پیش گرفته‌اند که به نوعی ترویج ایدئولوژی و هویت انقلابی آنان نیز محسوب می‌شود؛ از این رو این پژوهش در نظر دارد که ویژگی‌های سبک زندگی سه رهبر انقلابی معاصر - امام خمینی، ماندلا و گاندی - را استخراج کند و این نکته را آشکار کند که سبک زندگی رهبران انقلابی بر چه مؤلفه‌هایی استوار است؟ از طرفی آیا از مقایسه سبک زندگی این سه رهبر انقلابی نتایج مشابهی حاصل می‌شود؟ یا اینکه تفاوت‌های اساسی و جدی در این زمینه قابل مشاهده است و مؤلفه‌ها و عناصر سبک زندگی رهبران انقلابی با یکدیگر متفاوت است؟

۲. مبانی نظری تحقیق

نظریه‌های مربوط به سبک زندگی به‌طور عمده متکی بر دیدگاه چند متفکر بزرگ جامعه‌شناس است. و بر، نخستین کسی بود که اصطلاح سبک زندگی را به کار برد. از نظر و بر سبک زندگی تفاوت بین گروهی را ایجاد می‌کند و به برتری‌های منزلتی و طبقاتی مشروعیت می‌بخشد. گروه‌های منزلت از راه سبک‌های زندگی به گروه مرجع تبدیل می‌شوند و معیار قضاوت اجتماعی قرار می‌گیرند (خادمیان ۱۳۸۸: ۷۵). وی خصیصه اصلی سبک زندگی را انتخابی بودن آن می‌داند که محدود به برخی مضایق ساختاری است و این محدودیت‌ها اقتصادی و اجتماعی‌اند. و بر کار کرد دو گانه‌ای برای سبک زندگی قائل است. از یک طرف موجب تفاوت بین گروهی می‌شود و به برتری‌های منزلتی و طبقاتی مشروعیت می‌بخشد و از سوی دیگر موجب انسجام بخشیدن درون گروهی می‌شود. به نظر او سبک زندگی بیش از آنکه بر تولید استوار باشد، بر شباهت الگوهای مصرف استوار است (فاضلی ۱۳۸۲: ۲۹ - ۲۸).

زیمل، به عنوان اولین جامعه‌شناس سبک زندگی شهری مدرن شناخته می‌شود. در حقیقت ارتباط پیچیده بین سبک زندگی مدرن به عنوان یک شکل اجتماعی و جستجوی افراد برای کسب هویت شالوده‌بحث او را تشکیل می‌دهد. سبک‌های زندگی از نظر زیمل، استراتژی‌هایی برای تحقق یافتن تسلط فرهنگ عینی برای زندگی روزمره در جامعه مدرن است (Cockerham 1997:134). سبک زندگی عینیت بخشیدن به ذهنیات در قالب اشکال شناخته شده اجتماعی است. نوعی بیان فردیت برتر و یکتایی در قالبی است که دیگران این یکتایی را درک می‌کنند (Simmel 1990:460).

گیدنز انسان را به عنوان عامل در شکل‌گیری هویتش مؤثر می‌داند و معتقد است که انسان تحت فشار ساختار اجتماعی سبک زندگی را بیشتر تقلید می‌کند. به نظر او در دنیای متجدد کنونی، همه ما نه فقط از سبک‌های زندگی پیروی می‌کنیم بلکه به تعبیر دیگر ناچار به این پیروی هستیم. در حقیقت ما انتخاب دیگری به جز گزینش نداریم. به نظری هر چه وضع و حال جامعه و محیطی که فرد در آن به سر می‌برد بیشتر به دنیای مابعد سنتی تعلق داشته باشد، سبک زندگی او نیز بیشتر با هسته واقعی هویت شخصی‌اش و ساخت و تجدید ساخت آن سروکار خواهد داشت. البته منظور گیدنز از کثرت انتخاب این است که در همه انتخاب‌ها بر روی همه افراد باز است (گیدنز ۱۳۷۸).

به اعتقاد گیدنز انسان دوره مدرنیته متأخر با تنوع گسترده‌ای از انتخاب‌ها روبه‌روست. از نظر او این تنوع زیاد امنیت هستی‌شناختی را با مشکل مواجه می‌سازد. از همین رو افراد برای آنکه مجبور نشوند در هر لحظه تصمیمی اتخاذ کنند، مجموعه‌ای از انتخاب‌ها را به صورت الگومند می‌پذیرند. گیدنز می‌گوید سبک زندگی را می‌توان مجموعه‌ای کم‌ویش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد. این عملکردها نیازهای جاری او را در برابر دیگران مجسم می‌سازد. در دیدگاه گیدنز سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است (گیدنز ۱۳۷۸: ۱۲۰).

جامعه‌شناسی مصرف و تحلیل بوردیو درباره سبک زندگی بر سرمایه فرهنگی متکی است. سرمایه فرهنگی شامل: سلیقه‌های خوب، شیوه و راه و رسم پسندیده، پیچیدگی شناختی، شناختن و توانایی پذیرش محصولات فرهنگی مشروع از قبیل هنر، موسیقی کلاسیک، تئاتر و ادبیات و ... و تسلط بر هر نوع از نظام‌های نمادین است (فاضلی ۱۳۸۲: ۳۸).

سه منبع سرمایه فرهنگی عبارت‌اند از: پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی. قریحه از دیگر مفاهیم مورد نظر بوردیو و مرتبط با سبک زندگی است. در نظری شیوه‌های مختلف تملک سرمایه درون هر طبقه، موجب ذوق و قریحه متفاوتی است. اگرچه ظاهراً

قریحه‌ها به صورت مستقل و در فضای اجتماعی سنجیده می‌شوند، اما محصول منش‌هایی هستند که ماهیت طبقاتی دارند. در نظر بوردیو منش، مولد و انسجام بخش اعمال و صورت درونی شده شرایط طبقاتی است (Bourdieu 1984:101). وی تحلیل انگیزه‌های مصرف را به فراتر از اقدام آگاهانه برای هم‌چشمی (وبلن) و تمایز (زیمل) کشانید؛ و علاقه‌ای نداشت که نشان دهد گروه‌های اجتماعی مختلف، به شیوه‌های گوناگون مصرف می‌کنند بلکه می‌خواهد معلوم کند که گروه‌های فرادست و فرودست طبقات متوسط، درگیر مبارزه‌ای بی‌پایان اما ملایم برای تثبیت هویت، ارزش و موقعیت اجتماعی خود هستند. مصرف و خصوصاً مصرف فرهنگی، ابزاری برای تولید فرهنگی، مشروعیت‌سازی و مبارزه در فضای اجتماعی است. مصرف چیزی بیش از برآوردن خواسته‌های زیستی است. ارزش‌ها، نشانه‌ها، نمادها فعالانه درگیر تولید و بازتولید ساختارهای اجتماعی هستند (Bourdieu 1984:44).

در نظریه بوردیو سبک زندگی که شامل اعمال طبقه‌بندی‌شده و طبقه‌بندی‌کننده فرد در عرصه‌هایی چون تقسیم ساعات شبانه‌روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه‌های معاشرت، اثاثیه و خانه، آداب سخن گفتن و راه رفتن است، در واقع عینیت یافته و تجسم یافته ترجیحات افراد است. (باکاک ۱۳۸۱: ۹۶). بوردیو معتقد است مصرف به منزله نظامی از نشانه‌ها و نمادها مطرح است که کارکردهایی چون تمایز گذاری اجتماعی دارد که البته به نظر بوردیو معنایش از همین تفاوت و تمایز ناشی می‌شود و چیزی جز آن نیست. در بحث بوردیو مصرف همانند پاسخ به نیازهای زیستی مطرح نمی‌شود، بلکه مصرف به منزله استفاده از نظامی از نشانه‌ها و نمادها مطرح است (باکاک ۱۳۸۱: ۶۶). که البته خود این نشانه‌ها و نمادها از خلال فرآیند مصرف تولید می‌شوند. از این رو، مصرف در اندیشه بوردیو، برخلاف مارکسیسم کلاسیک، صرفاً یک متغیر وابسته نیست.

۳. مؤلفه‌های سبک زندگی:

یکی از راه‌هایی که می‌توان به درک بهتری از مفهوم سبک زندگی از نظر اندیشمندان مختلف دست یافت، بررسی عناصر و مؤلفه‌های مشترکی است که آنان برای سبک زندگی برشمرده یا در تحقیقات خود از آن‌ها به عنوان شاخصه بهره برده‌اند. در اینجا منظور از مؤلفه، اموری است که مصداق عینی سبک زندگی محسوب می‌شوند (مهدوی کنی ۱۳۸۶: ۱۳) و از تعاریف اندیشمندان از سبک زندگی به دست آمده‌اند. بر اساس دیدگاه‌هایی که تاکنون مرور شد می‌توان مؤلفه‌های مورد تأکید این نظریه پردازان را در جدول زیر خلاصه نمود.

ویژگی‌های مفهومی و مؤلفه‌های سبک زندگی به تفکیک صاحب‌نظران

ردیف	صاحب‌نظر	مؤلفه‌های سبک زندگی
۱	زیمل	شیوه تغذیه، خودآرایی (نوع پوشاک و پیروی از مد)، نوع مسکن (دکوراسیون، معماری و اثاثیه)، نوع وسیله حمل و نقل، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح، اطوار (رفتارهای حاکی از نجیب زادگی یا دست‌ودل بازی، کشیدن سیگار در محافل عمومی، تعداد مستخدمان و آرایش آن‌ها).
۲	گیدنز	انتخاب انواع خاصی از غذا، پوشاک، مسکن، اتومبیل، عادات کاری، اشکال گوناگون تفریح یا فراغت و انواع دیگری از رفتار منزلت جویانه.
۳	بورديو	دارایی‌ها (کالاهای تجملی یا فرهنگی، مانند خانه، ویلا، قایق تفریحی، ماشین، اثاثیه، نقاشی‌ها، کتاب‌ها، نوشابه‌ها، سیگارها، عطرها، لباس‌ها)، فعالیت‌های متمایزکننده (ورزش‌ها، بازی‌ها، تفریحات، لباس پوشیدن)، رسیدگی به ظاهر بدن خود، نحوه استفاده از زبان و بودجه‌بندی.

برای انتخاب مؤلفه‌هایی که به وسیله آن‌ها بتوان سبک زندگی رهبران انقلابی (در این تحقیق امام خمینی، ماندلا و گاندی) را مورد مطالعه قرار داد، لازم است از بین این مؤلفه‌ها مواردی انتخاب شوند که با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، امکان مقایسه مطلوب فراهم شود. لذا در این تحقیق تلاش شده است تا مواردی که در همه جوامع اشتراک دارند و جزء لاینفک زندگی اجتماعی انسان‌ها محسوب می‌شوند انتخاب شوند. بر این اساس، مؤلفه‌های انتخاب شده به شرح ذیل می‌باشند:

روابط خانوادگی، ۲. مدیریت بدن، ۳. گذران اوقات فراغت، ۴. مصرف مادی، ۵. مصرف کالای فرهنگی، ۶. تغذیه، ۷. تحصیلات و ۸. فعالیت‌های دینی.

۴. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های اکتشافی - توصیفی به حساب می‌آید. روش گردآوری داده‌های این پژوهش به صورت اسنادی انجام شده است. در مورد سبک زندگی امام خمینی از آنجاکه ایشان زندگینامه خود نوشت نداشتند، تنها به خاطرات موجود از ایشان اکتفا شد. در مورد گاندی و ماندلا هم از زندگینامه خود نوشت آن‌ها و از کتاب‌هایی که درباره آن‌ها نوشته شده استفاده شده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل مفهومی یا مضمونی استفاده شده است. تحلیل مفهومی نوعی استراتژی تقلیل و تحلیل داده‌های کیفی است که در آن داده‌ها تقطیع، مقوله‌بندی، تلخیص و به گونه‌ای بازسازی می‌شوند که مفاهیم اصلی مستتر در داده‌ها را در برگیرند (حسینی و دیگران ۱۳۹۶: ۹). در این پژوهش ابتدا نظریه‌های اجتماعی که در زمینه سبک زندگی موجود بود، مطالعه گردید و از میان مؤلفه‌های موجود برای سبک زندگی، هشت مؤلفه که در بالا ذکر شد انتخاب شد. در واقع این بخش کدگذاری اولیه محسوب می‌شد. سپس داده‌های مربوط به هر مؤلفه جداگانه کدگذاری شد. به عنوان مثال مؤلفه روابط خانوادگی خود به چند شاخص دیگر از قبیل روابط با همسر، رفتار با اعضای خانواده، تربیت فرزندان، اهمیت مناسبات اجتماعی، آزادی یا عدم آزادی در خانواده، همکاری در امور منزل و حفظ حدود شرعی تقسیم شد. مؤلفه مصرف فرهنگی نیز شامل شاخص‌هایی بود که عبارت‌اند از مطالعه روزنامه و کتاب و تماشای رادیو و تلویزیون. شاخص‌های مصرف مادی شامل: اموال شخصی، زندگی ساده، مصرف و هزینه متعادل، سادگی محل سکونت و مختصر بودن وسایل منزل و کمک به نیازمندان بود. مؤلفه تغذیه نیز به دو شاخص تغذیه کم و ساده و سلائق غذایی تقسیم شد. مدیریت بدن شامل شاخص‌های آراستگی، نظافت و پاکیزگی و علاقه به ورزش و انجام فعالیت‌های ورزشی بود. گذران اوقات فراغت شامل اهمیت به تفریح و سرگرمی و نظم و استفاده مفید از زمان می‌شد. تحصیلات نیز به مطالعه فراوان و علم‌آموزی، تربیت شاگردان مبرز، تدریس و ویژگی‌های خاص کلاس درس ایشان، ارتباط با اساتید طراز اول و شخصیت‌های علمی طراز اول و آثار و تألیفات کدگذاری شد. فعالیت‌های دینی نیز، اهمیت به ادای تکلیف شرعی و ترک معاصی، برنامه منظم عبادی و کیفیت ویژه عبادات را شامل شد. پس از کدگذاری داده‌های مربوط به شاخص‌ها، مضامین نهایی استخراج و به عنوان یافته‌های نهایی پژوهش مطرح گردید و سبک زندگی سه رهبر انقلابی بر مبنای این مضامین نوشته شد.

۵. سبک زندگی امام خمینی

با توجه به بررسی‌های انجام شده در خصوص مؤلفه روابط خانوادگی، در مورد رفتار و سلوک با همسر، امام خمینی بسیار اهل رعایت و مراعات حال همسرش بوده است؛ این مراعات هم در مورد اخلاق و رفتار فردی و هم در ارتباط با برآورده نمودن نیازهای جسمی و روحی همسرش به خوبی مشهود است. به طور مثال داشتن خدمتکار در منزل برای کمک به رتق وفتق امور منزل (تقفی ۱۳۹۴: ۱۴۳) و همکاری نمودن در امر نگهداری بچه‌ها و پذیرایی از میهمان (رجایی ۱۳۷۹

ج ۱: ۷۱؛ ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۷۳) از مواردی است که وی برای راحتی حال همسرش انجام می‌داد چراکه امام همواره این دغدغه را داشت که سلامتی جسمی همسر حفظ شود (ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۳۱) و همسرش به‌عنوان یک زن بتواند اوقات فراغت زنانه‌ای هم برای خودش داشته باشد (رجایی ۱۳۷۹ ج ۱: ۷۱)؛ چنانچه دیده‌شده است که امام به آراستگی همسرش هم توجه داشته است (تقفی ۱۳۹۴: ۵۱۹).

امام خمینی همچنین به لحاظ عاطفی توجه زیادی به همسرش نشان می‌داد؛ این توجه هم شامل احترام بسیار زیاد در رفتار (تقفی ۱۳۹۴: ۵۵۴-۵۵۳، ۵۴۵؛ رجایی ۱۳۷۹ ج ۱: ۸۴-۸۰، ۷۶، ج ۲: ۸۹؛ ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۳۱) و هم ابراز علاقه در موقعیت‌های مختلف است (تقفی ۱۳۹۴: ۴۷۴؛ رجایی ۱۳۷۹ ج ۱: ۷۴)؛ حساسیت خاص به بودن و حضور همسرش در خانه و همراهی‌اش با امام (رجایی ۱۳۷۹: ۷۴، ۷۸، ۸۶؛ تقفی ۱۳۹۴: ۲۷۹؛ ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۴۳) به‌خوبی این وابستگی عاطفی و احساسی با همسر را نشان می‌دهد.

امام درعین حال قائل به رعایت حقوق اجتماعی و طبیعی یک زن بوده است و به همسرش آزادی کامل می‌داد و تنها قید و شرط امام برای همسر رعایت حدود واجب الهی (رجایی ۱۳۷۹ ج ۱: ۷۱) بوده است. درواقع امام اعتماد زیادی به همسرش به‌عنوان شریک زندگی و همراه مبارزاتی (تقفی ۱۳۹۴: ۲۱۳، ۲۶۱؛ ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۱۱) داشته است. اگرچه بسیار تلاش می‌نمود که در شرایط سخت مبارزه و تبعید، همسرش کمترین رنج و سختی را متحمل شود (ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۴۹؛ تقفی ۱۳۹۴: ۲۱۲).

این نوع سبک رفتار امام با دیگر اعضای خانواده و فرزندانش نیز مشاهده می‌شود درواقع امام در ابراز محبت به دیگران رعایت مساوات می‌نمود (رجایی ۱۳۷۹ ج ۱: ۲۰). باوجود مشغله‌های سیاسی فراوان هیچ‌گاه از خانواده غافل نمی‌شد (رجایی ۱۳۷۹ ج ۱: ۸۸) تا آنجا که در دوران تبعید ارتباط و نامه‌نگاری با تک‌تک اعضای خانواده را داشت (تقفی ۱۳۹۴: ۲۶۷؛ ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۵۲؛ قادری الف ۱۳۹۴: ۲۲۱) همان‌گونه که در هنگام حضورشان در خانه علاقه خاصی به مصاحبت با اعضای خانواده و فرزندانش داشت (رجایی ۱۳۷۹ ج ۱: ۴۳).

بااین حال دخالت مستقیمی در زندگی فرزندان خود نداشت و به فرزندان در انتخاب شیوه زندگی، تحصیل و شغل و انتخاب همسر و مشارکت در مسائل اجتماعی، آزادی کامل می‌داد (رجایی ۱۳۷۹ ج ۱: ۴۰، ۴۴؛ ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۲۲۹) و در این میان فقط به توصیه‌هایی به پسران نسبت به عدم توقع از همسرشان برای کار در منزل، تشویق دختران به کار در منزل همسر (رجایی ۱۳۷۹ ج ۱: ۶۲) و تشویق دختران به کمک به مادر (رجایی ۱۳۷۹ ج ۱: ۸۵) بسنده می‌نمود.

در ارتباط با مؤلفه مصرف فرهنگی، امام از ایام جوانی و آغاز دوران طلبگی (در ساعت بخصوص) عادت به مطالعه روزنامه داشت (رودسری ۱۳۷۸: ۲۸۷) و حتی در دوره زندگی در نجف به خاطر وجود جو حاکم و موانع موجود، مخفیانه روزنامه می خواند (شیرعلی نیا ۱۳۹۳: ۱۳۹). مطالعه و بررسی های فکری بیشترین کار روزانه امام بود (ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۶۲) و تا حدی که خستگی چشم هایش اجازه می داد ادامه پیدا می کرد. مثلاً مطالعه روزانه صدها صفحه کتاب در نجف با موضوعات مختلف (قصه، سیاسی، اجتماعی، اکثر داستان ها و رمان های معروف نویسندگان بزرگ ایران و جهان، مطالعه مکرر تاریخ ایران و مشروطه) (ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۰۷). یکی از راه های کسب اطلاعات برای امام در دوره های مختلف زندگی ایشان، گوش کردن به اخبار و برنامه های رادیو بود. امام برای شنیدن اخبار (حتی هنگام غذا خوردن، پیاده روی عصرگاهی، زمان حمام کردن و وضو گرفتن) از رادیو استفاده می کرده است (قادری ۱۳۹۴: ۳۰۳؛ ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۹۰، ۱۸۸، ۲۱۸؛ طباطبایی ۱۳۹۰: ۴۰۸). نکته جالب، توجه ویژه امام به گوش کردن رادیوهای خارجی و دنبال کردن اخبار مختلف ایران و جهان بوده است (رودسری ۱۳۷۸: ۲۸۸؛ ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۸۹، ج ۲: ۲۰، ۱۵۲، ۱۰۷، ۱۸۹). ضمن اینکه تماشای برنامه های تلویزیون برای آگاهی از خط مشی مسئولان رسانه ای کشور نیز یکی از علائق امام بوده است (ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۶۲).

امام خمینی شخصیتی بود که کمترین توجهی به جمع آوری مال و ثروت نداشت. منبع درآمدش بخشی از محل وجوه شرعی و بخشی از عواید ملک ارثیه مزروعی بود که گاهی با تأخیرهای چندماهه به دستش می رسید (رجایی ۱۳۷۹ ج ۲: ۷۷؛ ثقفی ۱۳۹۴: ۶۵؛ قادری الف ۱۳۹۴: ۱۰۱). اختصاص قسمتی از همین درآمد برای کمک به رونق حوزه علمیه (خصوصاً پیش از ازدواج و تشکیل خانواده) (قادری الف ۱۳۹۴: ۱۱۰) نشان از عدم تعلق به مادیات و ثروت اندوزی وی داشته است.

زندگی ساده و فقیرانه با داشتن خوراک، پوشاک و مسکن و سایر امور زندگی در سطح زندگی افراد متوسط به پایین جامعه (رجایی ۱۳۷۹ ج ۲: ۹۰) و پرهیز از تشریفات^۱ (ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۳۲، ۲۱۵؛ ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۴۷، ۶۲، ۵۶، ۲۴۴؛ رجایی ۱۳۷۹ ج ۲: ۱۱۷)، تلاش در داشتن زندگی در سطح سایر طلبه ها خصوصاً در نجف (بدون کولر، بدون یخچال، بدون تلفن و سایر امکانات رفاهی)^۳ (ثقفی ۱۳۹۴: ۲۹۴؛ رجایی ۱۳۷۹ ج ۱: ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۲۹؛ ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۳۷۸)، توصیه به

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: (رودسری ۱۳۷۸: ۴۱۱).

۲. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۸۷: ۴۵-۱۵۴).

۳. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: (قادری الف ۱۳۹۴: ۲۲۷).

همسر و خانواده در قناعت و استفاده مناسب از وسایل منزل خصوصاً لباس (عدم مصرف گرایی و پرهیز از اسراف) (ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۲۹۴)، از ویژگی‌های برجسته سبک زندگی امام است. در واقع سبک زندگی ساده امام، ابزاری برای جذب یاران راستین و بدون چشمداشت مادی بوده (ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۲۲۴) و زندگی با مشقت و سختی خودخواسته‌اش (ثقفی ۱۳۹۴: ۶۸) به نوعی همدردی با مردم ایران حتی در تبعید بوده است. این در حالی بوده است که امام حتی از پذیرفتن هدایای مردم نیز امتناع داشت یا اینکه هدایای رسیده را به افراد نیازمند و مؤسسات خیریه اهدا می‌کرد (رجایی ۱۳۷۹ ج ۱: ۲۲۷، ۲۲۸؛ ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۲۴۴).

در بررسی سبک زندگی امام خمینی، فعالیت فراغتی ایشان بیشتر در قالب ارتباطات خانوادگی، فامیلی و هم‌نشینی‌های دوستانه و طلبگی بوده است که تا قبل از شروع مبارزات جدی مسافرت با خانواده و دوستان (ثقفی ۱۳۹۴: ۱۱۹؛ رجایی ۱۳۷۹ ج ۱: ۲۸، ۳۶، ۳۸، ۲۳۱) را نیز شامل می‌شده است.

به عبارتی از جوانی مبنای زندگی، کار و همه امور و مسائل امام بر اساس نظم و برنامه بوده است (ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۲۶۹) و داشتن تفریح و اوقات فراغت هم جزئی از این برنامه منظم بوده است. این نظم تا حدی بود که امام برای کارهای روزانه در تمام ساعات شبانه‌روز جدولی تهیه و تنظیم کرده بود (رجایی ۱۳۷۹ ج ۲: ۷) و هیچ اتفاقی - حتی شنیدن خبر مرگ فرزندش - این برنامه زمان‌بندی شده را تغییر نداد (ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۲۲۹) تا بدان جا که اطرافیان امام طبق برنامه کاری امام، زمان و ساعت را تشخیص می‌دادند (ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۱۴۲، ۲۹۲، ۳۳۳).

امام خمینی از جوانی به آراستگی و پاکی و نظافت در میان طلبه‌ها معروف بود (ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۶۶). همیشه مقید بود پیش از خروج از منزل وضعیت ظاهر خود را در آینه چک کند (قادری ۱۳۹۴: ۱۷۹) و معطر و بالباسی آراسته و تمیز و اتو شده از منزل خارج می‌شد (رودسری ۱۳۷۸: ۲۱۹؛ سبحانی نیا و عسگری ۱۳۸۰: ۱۸۸؛ طباطبایی ۱۳۹۰: ۲۱۹). امام نه تنها در بیرون منزل به بهترین شکل ممکن آراسته بود بلکه در منزل نیز همیشه لباس‌های اتو شده می‌پوشید و معطر بود (ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۲۶۸؛ سبحانی نیا و علی عسگری ۱۳۸۰: ۱۸۹).

امام از جوانی مقید بود که محیط زندگی، اتاق کار، محل عبادت و خوابش پاکیزه و نظیف باشد (ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۲۶۸). روزهای جمعه را بخصوص به نظافت و استحمام و اصلاح موی سر و ناخن می‌پرداخت (طباطبایی ۱۳۹۰: ۲۲۱). البته بعد از ازدواج مسئولیت اصلاح موی سر امام به عهده همسرش بود (قادری ۱۳۹۴: ۵۴۸). به قدری پاکیزگی برای امام اهمیت داشت که در

نامه از ترکیه تقاضای لباس و حوله کرد (شیرعلی نیا ۱۳۹۳: ۱۱۰).

امام به طور کلی علاقه مند به ورزش بود و اگرچه ورزش تخصصی را دنبال نکرده بود (ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۰۸) ولی در تمام عمر و در شرایط سخت و حساسی چون زندان انفرادی، تبعید، بیمارستان و ... هیچ گاه پیاده روی روزانه را ترک نکرد (رودسری ۱۳۷۸: ۲۲۹؛ طباطبایی ۱۳۹۰: ۲۲۰؛ سبحانی نیا و علی عسگری ۱۳۸۰: ۱۹۶).

تغذیه امام در سطح مردم عادی جامعه بود مصرف غذایی وی بسیار ساده و با حجم کم بود. اغلب روزها ناهار ایشان آبگوشت (بدون گوشت) بود و شام نیز بسیار سبک میل می کرد (رجایی ۱۳۷۹ ج ۱: ۱۳۲). تبعید و وطن برای ایشان فرقی نداشت. حتی در نجف مقید بود به دلیل فقر بیشتر مردم و طلاب آنجا زندگی ساده تری داشته باشد (رجایی ۱۳۷۹ ج ۲: ۸۲؛ رودسری ۱۳۷۸: ۸۶). حتی سلیقه غذایی ایشان نیز ساده پسند بود و از غذای چرب و سنگین پرهیز داشت (ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۳۳۳).

در زندگی امام خمینی دین نقش پررنگی را ایفا می کند. وی دین را به همه چیز و همه کس ترجیح می داد (طباطبایی ۱۳۹۰: ۲۰۷). هیچ چیز مانع از این نمی شد که از مواضع دینی خود کوتاه بیاید. به قدری غیرت دینی داشت که اگر نزدیکان وی مرتکب محرمات می شدند یا واجبات را ترک می کردند بسیار خشمگین می شد و بدنش می لرزید (ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۹۶)؛ و مقید بود که در منزل معصیتی انجام نشود. همچنین برای امام بسیار مهم بود که فرزندان بر مبنای آداب اسلامی تربیت شوند (رجایی ۱۳۷۹ ج ۲: ۴۵). برای امام مهم ترین اموری که اولویت داشت عبادت و درس بود (ثقفی ۱۳۹۴: ۷۴). ایشان علاوه بر انجام واجبات دینی بسیار برای مستحبات اهمیت قائل بود و بر قرائت قرآن، نماز مستحبی، زیارت و دعا مداومت داشت. به نقل از دوستان نزدیک و همسرش، از اوایل جوانی مقید به خواندن نماز شب و مناجات شبانه بود؛ و هیچ گاه نماز اول وقت وی ترک نشد (ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۱۵). تا جایی که برای ایشان ممکن بود در نمازهای جماعت شرکت می کرد چه به عنوان امام و چه به عنوان مأموم (ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۵۷، ج ۲: ۲۹۳؛ رودسری ۱۳۷۸: ۳۴۹). تا زمانی هم که در شهرهای زیارتی سکونت داشت بر زیارت روزانه مداومت داشت (ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۵۹، ۲۹۳، ۳۲۹). اعمال عبادی روزهای مخصوص سال را حتماً به جا می آورد (ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۳۲۹؛ رودسری ۱۳۷۸: ۳۳۸). به اهل بیت پیامبر اسلام نیز علاقه خاصی داشت و مقید به برپایی و شرکت در مجلس عزاداری برای ایشان بود (ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۵۹، ۶۰؛ شیرعلی نیا ۱۳۹۳: ۱۱۸). به طور کلی اهمیت عبادت برای ایشان تا حدی بود که در نامه ای که از تبعید ترکیه برای خانواده نوشته بود تقاضای کتب ادعیه و ملزومات مورد نیاز

عبادت از مهر و تسبیح و ... را داشت (شیرعلی نیا ۱۳۹۳: ۱۱۰).

امام پیش از آغاز نماز، مقید به انجام آدابی بود از این قبیل که محاسن خود را شانه می زد، خود را معطر می کرد و عمامه به سر می گذاشت و بعد از تلاوت قرآن و گفتن اذان و اقامه شروع به خواندن نماز می کرد (رودسری ۱۳۷۸: ۳۲۶). امام تلاش می کرد مستحبات را به دور از چشم دیگران انجام دهد و معمولاً در خلوت خود این اعمال را انجام می داد (ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۵۷).
باین حال همیشه ذکر به لب داشت (ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۳۲۸).

تمام فعالیت و مشغله امام خمینی پیش از آغاز مبارزات مطالعه و تدریس و نویسندگی بود (رجایی ۱۳۷۹ ج ۵: ۱۱۰). با جدیت و تلاش مداوم به مطالعه می پرداخت و معمولاً این مطالعه بی وقفه از اذان صبح تا اذان ظهر ادامه داشت (رجایی ۱۳۷۹ ج ۲: ۳۲۱) حتی در سن ۵۰ سالگی نیز برنامه مطالعاتی ایشان همین گونه بود (رجایی ۱۳۷۹ ج ۲: ۳۲۶). امام به قدری به درس و مطالعه علاقه داشتند که یکی از عوامل ازدواج دیر هنگام خود را همین امر عنوان کرده است (ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۳۱). از ۲۱ سالگی مدرس حوزه علمیه بودند و تا ۶ ماه پیش از انقلاب تدریس ایشان در حوزه ادامه داشت (قادری ۱۳۹۴: ۹۱). ایشان حتی در تبعید نجف نیز دست از تدریس برنداشت (رجایی ۱۳۷۹ ج ۲: ۳۳۶).

امام زندگی بدون مطالعه را تلف کردن وقت شاگردان می دانست و حتی در تابستان نیز دست از مطالعه بر نمی داشت و خود را برای تدریس آماده می کرد (قادری ۱۳۹۴: ۴۲۶). در واقع ورود امام به عرصه سیاست از حوزه مطالعه و تحقیق و مشاهده بوده است (قادری ۱۳۹۴: ۹۲). امام نسبت به چگونگی تربیت علمی شاگردان خود حساس بود و تلاش می کرد آن ها ورزیده و متکی به خود تربیت شوند و قادر به تحقیق در مطالب علمی و مستقل باشند (ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۳۰۰). امام نقد و ایراد از اساتید را در شاگردان خود نهادینه کرده بود (رودسری ۱۳۷۸: ۵۴). همچنین شاگردان خود را برای انجام بهتر کارهایشان به نظم و تقسیم وقت توصیه می کرد (رجایی ۱۳۷۹ ج ۵: ۱۱۶، ۱۱۸). از هیچ کمکی حتی کمک مالی در حق شاگردان خود دریغ نمی کرد (رجایی ۱۳۷۹ ج ۵: ۱۳۲؛ ستوده ۱۳۸۰ ج ۱: ۲۱۷).

کلاس های درس امام و شیوه تدریس ایشان ویژگی های خاص خود را داشت. بیان گرم و دل نشین و دقیق او همراه با نقد کلام بزرگان و موشکافی نظرات آن ها و استفاده از عبارات و مثال های واضح باعث شده بود حتی پیش از آغاز مبارزه کلاس های پررونقی داشته باشد (رجایی ۱۳۷۹ ج ۵: ۵۶). کلاس های ایشان مجتهد پرور بود (ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۸۶ - ۸۵) و شاگردان را به تحقیق و تتبع وادار می کرد (رجایی ۱۳۷۹ ج ۵: ۵۶). در کنار همه این نکات اهمیت بسیاری

برای حضور به موقع و منظم خود و شاگردان سر کلاس قائل بود و در هر شرایطی کلاس‌ها را تشکیل می‌دادند و از تعطیلی کلاس‌ها جلوگیری می‌کرد حتی زمان شهادت فرزندشان - سید مصطفی - اجازه نداد کلاس‌ها تعطیل شود (ستوده ۱۳۸۰ ج ۲: ۳۲۷).

۶. سبک زندگی ماندلا

در مورد ماندلا و در ارتباط با مؤلفه روابط خانوادگی و در بررسی رفتار و نوع برخورد وی با همسر، توجه به این نکته ضروری است که ایشان تجربه زندگی مشترک در کنار سه بانو را در طول زندگی داشته و از طرفی بخش مهمی از دوران حیاتش را در زندان گذرانده است. ماندلا با وجود اختلافات سیاسی و عقیدتی که با همسر اولش داشت، هیچ‌گاه از حس احترام و تحسینش نسبت به او کاسته نشد (ماندلا ۱۳۷۴: ۲۷۲) و در شرایط سخت زندگی مراعات حال همسرش را می‌کرد. در شرایط سخت بیماری فرزند پابه‌پا همراه همسرش بود و حتی پس از مرگ فرزندشان با وجود غم خود، تمام تلاش خود را برای آرام کردن همسر به کار برد (ماندلا ۱۳۷۴: ۱۳۹). از طرفی بعد از جدایی نیز انصاف را نسبت به وی از دست نداد و چیزی راجع به دلایل جدایی نگفت چرا که همسرش فرصت دفاع از خود را نداشت (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۱۰۷). بلافاصله پس از ازدواج دوم، ماندلا به خاطر شرایط سیاسی ناچار بود مخفیانه زندگی کند ولی برای رعایت حال همسر، از دیدارهای مخفیانه دریغ نمی‌کردند (استنگل ۱۳۹۴: ۱۵۸). همچنین به دلیل اینکه در نبود او همه بار زندگی بر دوش همسرش بود سعی کرد رانندگی را به او بیاموزد، در شرایطی که بسیاری از مردان سیاه‌پوست رانندگی نمی‌دانستند (ماندلا ۱۳۷۴: ۲۹۴). او حتی در دادگاه نیز پس از اعلام نتیجه نهایی و حکم حبس ابد به فکر همسرش بود و تلاش می‌کرد با لبخند، آرامش را به او انتقال دهد (ماندلا ۱۳۷۴: ۴۱۰). ماندلا و همسرش قائل به تقسیم کار بودند؛ ولی از ابتدای زندگی به دلیل مشکلات سیاسی که داشت و بر وضعیت اقتصادی و اشتغال او تأثیر منفی داشت، ناچار بودند به حقوق همسرش اکتفا کنند (ماندلا ۱۳۷۴: ۲۸۱ - ۲۸۰). از طرفی زمانی هم که در زندان به سر می‌برد تمام مسئولیت زندگی بر عهده همسر ماندلا بود (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۲۰۶). در واقع تقسیم کار میان آن‌ها نبود، تحمیل کار و مسئولیت برای همسر ماندلا وجود داشت. از راه دور و در زندان همیشه نگران مزاحمت‌های پلیس برای همسرش بود (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۲۳۹). او همسرش را به یک مبارز انقلابی تمام‌عیار تبدیل کرده بود و معتقد بود همسرش زن شجاعی است (استنگل ۱۳۹۴: ۳۹).

در شاخص رفتار با اعضای خانواده جمع اضداد در رفتار ماندلا قابل مشاهده است. به این ترتیب که او دوری خودخواسته از خانواده را انتخاب کرده، برای راحتی بیشتر آن‌ها و اینکه کمتر دچار و درگیر حواشی زندگی سیاسی او باشند (استنگل ۱۳۹۴: ۱۵۲). ولی از طرفی از این دوری طولانی مدت و در کنار خانواده نبودن شدیداً اظهار ناراحتی و آزرده‌گی می‌کند (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۱۰۶) و با وجود همه محدودیت‌ها و مشکلات موجود، تلاش می‌کند در شرایط حساس و مهم در کنار خانواده باشد (ماندلا ۱۳۷۴: ۱۵۵). او با وجود فعالیت‌های سنگین سیاسی به عشق خود پایبند بود و تلاش می‌کرد مایه تسکین همسر در مشکلات زندگی باشد. ماندلا در طول زندگی رفتار صادقانه‌ای با اعضای خانواده خود داشت و شادی‌های خود را با آن‌ها تقسیم می‌کرد ولی نگران امنیت و آرامش آن‌ها نیز بود (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۱۶۷) و تلاش می‌کرد حتی در هنگام دستگیری آرامش و قوت قلب را به فرزندان خود انتقال دهد (ماندلا ۱۳۷۴: ۲۵۹). در زندان هم تلاش زیادی کرد تا پس از رسیدن فرزندان به سن قانونی بتواند آن‌ها را ملاقات کند (ماندلا ۱۳۷۴: ۶۰۷ - ۶۰۵).

ماندلا به مادرش نیز علاقه فراوانی داشت و هیچ‌گاه حمایت از مادر را ترک نکرد و گاه می‌اندیشید که آیا عاقلانه است خانواده و مادر خود را که به او نیاز داشتند، رها کند و به خاطر مردم به فعالیت‌های سیاسی بپردازد (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۲۰۱).

یکی از اموری که برای ماندلا اهمیت بسیاری داشت تربیت فرزندان بود که یکی از عوامل اختلاف او با همسر اولش نیز بود. ماندلا اعتقاد به تربیت سیاسی فرزندان داشت؛ ولی همسرش معتقد به تربیت مذهبی فرزندان بود (ماندلا ۱۳۷۴: ۲۷۰). همچنین از حسرت‌های او در زندان شریک نبودن در تربیت فرزندان بود و اینکه اصلاً نمی‌دانست فرزندان چگونه بزرگ شده‌اند (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۱۰۶) و یا به گفته خودش در نبود او نزدیکانش همه پیر شده‌اند (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۲۸۶).

او فرزندان را به ورزش‌های پرتحرک تشویق می‌کرد. پیش از زندان پسرش را با خود به باشگاه ورزشی می‌برد و در رشته بوکس قهرمان بود (ماندلا ۱۳۷۴: ۲۵۳) و زمانی هم که در زندان بود از طریق نامه آن‌ها را به ورزش تشویق می‌کرد (ماندلا ۱۳۷۴: ۶۳۲). ماندلا فعالیت‌های سیاسی خود را با عنوان خدمت به خلق انجام می‌داد. از طرفی به‌قدری مناسبات اجتماعی برای او از اهمیت برخوردار بود که حتی پس از شنیدن مرگ فرزندش در زندان، تمام تلاش خود را برای حفظ ظاهرش انجام داد (استنگل ۱۳۹۴: ۳۷).

ماندلا تا حد زیادی برای خانواده و خصوصاً همسرش آزادی قائل بود. به شکلی که همسر اولش کاملاً آزاد بود که در فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی (تحصیلات) شرکت کند و اتفاقاً همین ادامه تحصیل باعث ایجاد اختلاف میان آن‌ها شد (ماندلا ۱۳۷۴: ۲۶۸). همسر دومش نیز در انجام فعالیت‌های سیاسی آزادی عمل لازم را داشت و حتی در برخی موارد از ماندلا نیز جلوتر حرکت می‌کرد (ماندلا ۱۳۷۴: ۲۸۹-۲۸۸). او برای راحتی و آزادی بیشتر خانواده، زندگی مخفیانه را برگزید تا همسر و فرزندانش آزاد زندگی کنند (استنگل ۱۳۹۴: ۱۵۲).

مقطعی که ماندلا در زندان به سر می‌برد به شکلی بود که حتی پاره‌های روزنامه در زباله‌ها برای او ارزش بسیاری داشت (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۱۵۹). از طرفی مسئولان زندان برای آزار روحی او روزنامه‌های حاوی خبرهای ناگوار مربوط به خانواده‌اش را در مسیر رفت و آمد او قرار می‌دادند که حتی در مواردی باعث درگیری ماندلا با آن‌ها می‌شد (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۲۴۰). اگرچه بر اساس برخی دست‌نوشته‌های ماندلا در طول برخی مهر و موم‌ها این امکان برای او وجود داشته که بتواند اشتراک سالیانه روزنامه بگیرد و حق آبونمان آن را خود پرداخت کند (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۳۵۱)؛ ولی حتی در سال‌های پس از آزادی هدیه بی نظیر و گران‌بها برای او قطعاً روزنامه بود (استنگل ۱۳۹۴: ۱۶۲).

ماندلا به‌طور کلی به مطالعه علاقه‌مند بود و از آن لذت می‌برد (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۳۱۱). از آنجا که تحصیل در دانشگاه را برای انجام فعالیت‌های سیاسی کافی نمی‌دانست، لذا مطالعه در زمینه‌های مختلف را برای تقویت زمینه‌های مبارزاتی و سیاسی خود آغاز نمود. به‌عنوان مثال در دوران زندگی مخفیانه به مطالعات نظامی مشغول بود (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۱۵۳). او در زمینه‌های مختلف مطالعه داشت به‌عنوان مثال مطالعه درباره برخی کشورها مانند چین، مالزی، فیلیپین، مطالعات نظامی، آثار مائوتسه دونگ، آثار کامل مارکس و انگلس، لنین و استالین و مطالعه دقیق فلسفه مادیگری دیالکتیکی و تاریخی (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۱۵۳؛ ماندلا ۱۳۷۴: ۱۵۷). ولی در دوران زندان دچار محدودیت‌هایی در انتخاب موضوع برای مطالعه بود. به این شکل که اکثراً داستان‌های کارآگاهی و پررمزوراز در دسترس آن‌ها بود و امکان مطالعه کتاب‌هایی با موضوعات سیاسی برای آن‌ها وجود نداشت. به‌عنوان مثال درخواست کتاب‌هایی که کلمات سرخ یا جنگ در عناوین آن‌ها وجود داشت، رد می‌شد (ماندلا ۱۳۷۴: ۶۳۳). با وجود سختگیری‌های موجود از مطالعه دست نکشید و تمام کتاب‌هایی را که درباره آفریقا یا از نویسندگان آفریقایی بود در زندان مطالعه کرد. همچنین بسیاری از آثار رمان‌نویس‌های آمریکایی را نیز از نظر گذراند (ماندلا ۱۳۷۴: ۶۳۴).

ماندلا معمولاً در زندان برنامه‌های مذهبی رادیو را گوش می‌کرد و در کنار آن فیلم زیاد می‌دید (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۳۱۶، ۳۳۴، ۳۵۹-۳۵۴). قبل از رفتن به زندان، تلویزیون خبری در آفریقا فعال نبود؛ ولی پس از آزادی شبکه‌های خبری ۲۴ ساعته فعال شده بود و این مایه شگفتی ماندلا بود. او حتی از میکروفون خبرنگاران هنگام مصاحبه تلویزیونی پس از آزادی خود می‌ترسید (استنگل ۱۳۹۴: ۱۴۱).

ماندلا به شدت از تأخیر کردن بیزار بود و وقت‌ناشناسی را یک ضعف اخلاقی می‌دانست (استنگل ۱۳۹۴: ۱۳). وی در همه امور به رعایت نظم و انضباط شهره بود. به‌عنوان مثال هیچ‌گاه مطلبی را سرسری، بد خط و نامربوط نوشت گویا برای تاریخ می‌نوشت (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۶۱-۶۰، ۸۹).

سال‌ها در زندان بخش اصلی برنامه روزانه ماندلا کار بدنی اجباری بود. بعد از تعطیلی این کار اجباری، سریعاً برنامه خود را تغییر داد و خوشحال از این بود که فرصت بیشتری برای مطالعه و ورزش دارد. تمام روز او طبق برنامه به مطالعه، نوشتن نامه، بحث درباره مسائل مختلف با دوستان یا تهیه گزارش‌های حقوقی و ورزش و باغبانی می‌گذشت (ماندلا ۱۳۷۴: ۶۲۸). برنامه خواب او نیز، شب زود خوابیدن و صبح زود بیدار شدن بود (استنگل ۱۳۹۴: ۱۴). با احتساب رژیم غذایی متشکل از حبوبات و سبزیجات برنامه روزانه ماندلا چیزی شبیه برنامه‌های سلامت محسوب می‌شود که برای کند کردن فرآیند پیری در تلاش هستند (استنگل ۱۳۹۴: ۸۵-۸۴). به‌طور کلی تا زمانی که درگیر فعالیت‌های سیاسی بود و باید مخارج زندگی را تأمین می‌کرد فرصت کمی برای تفریح داشت. در دهه ۱۹۵۰ شب‌ها پس از اتمام کارهای روزانه با پسرش به باشگاه بوکس و وزنه‌برداری می‌رفتند (ماندلا ۱۳۷۴: ۲۸۲). در سال ۱۹۵۲ پس از لغو حکم ممنوع‌السفری، برنامه سفر به دور آفریقا را برای خود طراحی کرد چراکه از محکومیت‌ها و ممنوعیت‌های احتمالی آینده مطمئن بود (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۹۱-۹۰).

ملاقات بزرگ‌ترین تفریح برای ماندلا و سایر زندانیان محسوب می‌شد. آن‌ها هر ۶ ماه سی دقیقه با اعضای خانواده خود ملاقات داشتند؛ ولی پس از مدتی زمان ملاقات به یک ساعت افزایش یافت (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۱۹۶). یکی از تفریحات و سرگرمی‌های متفاوتی که ماندلا توانست برای خود در دوره زندان ایجاد کند، باغبانی و تشکیل باغچه کوچکی بود که بعد از دوندگی‌ها و اصرارهای زیاد توانست مجوز آن را بگیرد (استنگل ۱۳۹۴: ۱۷۹).

به‌طور کلی تفریحات و سرگرمی‌هایی که ماندلا در زندان داشت از این‌قرار بوده است: صحبت با دوستان و مطالعه کتاب‌های مختلف، نامه نوشتن برای اعضای خانواده و دوستان

و بازخوانی نامه‌ها و کارت‌های دریافتی، باغبانی و کاشت سبزیجات، تفکر و برنامه‌ریزی و پالایش خود، شستن لباس و تمیز و مرتب کردن سلول و انجام تمرین‌های ورزشی (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۲۷۰). در سال‌های آزادی و پس از زندان یکی از تفریحات ماندلا سرکشی به روستای محل تولد و پیاده‌روی صبحگاهی در جاده‌های روستایی بود.

ماندلا در تمام طول عمر خود به ظاهرش اهمیت می‌داد. او ذاتاً خوش‌پوش بود خصوصاً در جوانی (استنگل ۱۳۹۴: ۸۱). از رنگ پیراهن تا نحوه ایستادن و راه رفتن برای او مهم بود (استنگل ۱۳۹۴: ۸۴). او عاشق لباس بود؛ زیرا معتقد بود لباس تأثیر آنی بر بیننده دارد (استنگل ۱۳۹۴: ۸۰). از طرفی او تلاش می‌کرد از تناسب‌اندام خود مراقبت کند چراکه به شیک‌پوشی او کمک می‌کرد. او نخستین سیاه‌پوستی محسوب می‌شد که لباس پرو می‌کرد. در واقع بخشی از شیک‌پوشی او خصوصاً در دوران آغاز و کالت عمدی بود. او برای تحت تأثیر قرار دادن قضات و موکلان این‌گونه رفتار می‌کرد (استنگل ۱۳۹۴: ۸۲).

آراستگی به قدری برای ماندلا اهمیت داشت که در زندان به خاطر لباس نامناسب سیاه‌پوستان در مقایسه با هندی‌ها و رنگین‌پوستان با مسئولان زندان درگیر شد. در سال‌های پایانی زندان نیز زمانی که قرار ملاقاتی با رئیس‌جمهور در زندان داشت، حاضر نشد با لباس زندانیان در این ملاقات حاضر شود و از مسئولان خواست برای او لباس رسمی (کت و شلوار) تهیه کنند (استنگل ۱۳۹۴: ۸۳). اگرچه در روستا از وسایل سنتی برای نظافت استفاده می‌شد مثلاً خاکستر و ... ولی ماندلا در دانشگاه بود که برای اولین بار از پیژامه، خمیردندان، حمام آب گرم، صابون و توالت استفاده کرد (ماندلا ۱۳۷۴: ۶۵).

یکی از راه‌هایی که در زندان برای خود احساس رضایت از زندگی ایجاد می‌کرد از طریق نظافت و پاکیزگی سلول بود. بدین منظور کارهایی از قبیل شستن لباس، تمیز کردن، مرتب کردن و جارو زدن سلول را انجام می‌داد (ماندلا ۱۳۷۴: ۶۲۹). همچنین برای رعایت بهداشت فردی در زندان از لوازم بهداشتی مانند تیغ ریش‌تراش، خمیردندان، صابون، روغن، وازلین مخصوص مو، پودر لباسشویی و نخ دندان استفاده می‌کرد (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۳۲۲ - ۳۲۷).

ماندلا در دانشگاه فعالیت ورزشی زیادی داشت که اغلب به شکل رقابت در فوتبال و دومیدانی با سایرین بود (ماندلا ۱۳۷۴: ۶۳). او در دهه ۱۹۵۰ هر شب باشگاه می‌رفت و بوکس و وزنه‌برداری تمرین می‌کرد و صبح‌های زود هم می‌دوید. او معتقد بود ورزش باعث رفع تنشج در مبارزات سیاسی و خالی شدن از ناراحتی و نومیدی در زندان می‌شود (ماندلا ۱۳۷۴: ۶۳۱). نکته جالب توجه اینکه فعالیت بدنی اجباری و جیره غذایی اندک زندان منجر به طول عمر و

جوانی ماندلا شد (استنگل ۱۳۹۴: ۸۴). او پس از آزادی نیز فعالیت‌های بدنی و ورزش را ترک نکرد و پیاده‌روی جزء برنامه‌های روزانه او محسوب می‌شد.

ماندلا در روزهای آغاز زندگی در ژوهانسبورگ فقیرترین روزهای زندگی خود را تجربه می‌کرد و تنها قادر بود یک روز در هفته غذای گرم مصرف کند آن‌هم مهمان صاحب‌خانه خود بود (ماندلا ۱۳۷۴: ۱۰۳). در دوران زندان نیز غذای مختصر و ساده متشکل از غلات و گاهی تکه‌ای گوشت مصرف می‌کرد؛ ولی نسبت به کیفیت پایین غذای سیاه‌پوستان در زندان نسبت به هندی‌ها و رنگین‌پوستان معترض بود (استنگل ۱۳۹۴: ۱۸۰، ۱۷۶). ماندلا معمولاً از طریق پزشک زندان، خشکبار (فندق و بادام زمینی و بادام معمولی) موردنیاز خود را تأمین می‌کرد (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۳۶۹-۳۶۷). این در حالی بود که مواد غذایی خود را که معمولاً ملاقات‌کننده‌ها برای او می‌آوردند بین سایر زندانیان و مسئولان بند تقسیم می‌کرد (ماندلا ۱۳۷۴: ۴۱۴).

از مواردی که در تغذیه زندان برای ماندلا اهمیت داشت، استفاده از سبزیجات و مواد غذایی تازه در طبخ غذا بود. به این منظور سبزیجات و محصولات باغچه خود را به آشپزخانه تحویل می‌داد تا در سبد غذایی زندانیان مورد استفاده قرار بگیرد (استنگل ۱۳۹۴: ۱۷۹).

ماندلا در دوران نوجوانی به دلیل شخصیت قابل احترام کشیش و وابستگی به تعلیم انجیل تأثیر زیادی از کلیسا پذیرفت (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۵۱-۵۰). در دوران دانشجویی نیز مقید بود که در مراسم کلیسا شرکت کند و عضو انجمن مسیحی دانشجویان بود و در روستاهای مجاور به تدریس انجیل می‌پرداخت (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۲۸۸؛ ماندلا ۱۳۷۴: ۶۴). در زندان هم به برنامه‌های مذهبی رادیو گوش می‌کرد و در برنامه موعظه کشیش نیز شرکت می‌کرد (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۳۱۶، ۳۵۹).

ماندلا ساعت‌ها وقت برای یادگیری صرف می‌کرد و به بررسی مطالب از زوایای مختلف می‌پرداخت (استنگل ۱۳۹۴: ۷۳). برای مثال شرح حال بسیاری از شخصیت‌های مهم جهان را مطالعه کرده بود (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۵۵). ماندلا به خاطر عضویت در جنبش‌های آزادی‌خواهانه نیاز به مطالعه را برای خود ضروری می‌دانست (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۶۷). او در شرایطی اقدام به مطالعه در زمینه‌های مختلف می‌کرد که دو مدرک کارشناسی دانشگاهی در زمینه تاریخ داشت و با تاریخ آفریقا و اروپا آشنایی عمیقی داشت (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۸۴). در واقع ماندلا فقط به یک مسیر برای یادگیری اکتفا نکرد او زندگی و رهبری را از منابع مختلفی چون پدر، دوستان، چهره‌های تاریخی و سیاسی آموخت (استنگل ۱۳۹۴: ۲۲). ماندلا از ادامه تحصیل در زندان دست نکشید و رشته حقوق را در زندان ادامه داد (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۶۵) و برای آموختن زبان

آفریکنس، دیگر زبان اصلی کشورش تلاش زیادی در زندان کرد. به این دلیل که این زبان، زبان سفیدپوستان، زبان قاضی و زندانبانها بود (استنگل ۱۳۹۴: ۱۱۹، ۱۲۱).
 آثاری که از ماندلا به جامانده است شرح حال اوست که در زندان نوشته شده است و کنترل صحت اطلاعات و ویرایش را دوستانش انجام داده‌اند (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۲۵۸). همچنین برخی از خاطرات خود را در تقویم نوشته بود که بعدها تبدیل به اسناد ملی افریقا شد (ماندلا و هریس ۱۳۹۰: ۳۲۰).

۷. سبک زندگی گاندی

اما در خصوص گاندی رفتار وی با همسرش به شکلی دوگانه بود. اگرچه نسبت به همسرش وفادار بود و به او عشق می‌ورزید ولی رفتار ارباب گونه با همسرش داشت و برای آگاهی از تمام افکار و اعمال وی تلاش می‌کرد (زینکین ۱۳۷۷: ۱۷). از طرفی با وجود اینکه نسبت به او خرده‌گیری و سوءظن داشت و حسادت می‌ورزید؛ ولی نسبت به جدایی از او در سفرهای مختلف ابراز ناراحتی می‌کرد (گاندی ۱۳۹۲: ۱۳۱، ۱۲۰، ۱۳۲).

همچنین اگرچه معتقد به تقسیم کار در منزل و همکاری با همسرش بود و در نگهداری از فرزندان کمک‌حال همسرش بود و به فراگیری امور بهداشتی و پرستاری در این زمینه می‌پرداخت؛ ولی همسرش را به ارائه خدمات رفاهی به همکاران و دوستان مشترک ساکن در منزل مجبور می‌کرد (گاندی ۱۳۹۲: ۲۳۶، ۳۰۹). طبیعتاً این گونه رفتار دوگانه گاندی باعث ایجاد اختلافات و ناراحتی‌هایی می‌شد که در این هنگام هم این همسرش بود که با گذشت خود به اختلافات پایان می‌داد.

از آنجا که گاندی معتقد به تربیت فرزندان از سنین زیر ۵ سال و حتی دوران بارداری مادر بود و خانه را بهترین مدرسه و والدین را بهترین معلم می‌دانست، فرزندان خود را در خانه آموزش داد و برای این مهم، یعنی تعلیم و تربیت فرزندان مطالعات بسیاری انجام داد؛ ولی به نتیجه دلخواه خود دست پیدا نکرد (کیا ۱۳۷۴: ۱۴۹، ۲۳۵؛ گاندی ۱۳۹۲: ۲۳۰، ۱۲۰، ۲۳۴). نتیجه این نوع تربیت و رفتار خشن با فرزندان، اجبار به سخت کار کردن و عدم صرف وقت برای بازی و بودن در کنار آنها، باعث شد تا یکی از نکات قابل تأمل در زندگی گاندی شکل گیرد و آن ترس فرزندان از وی بود. به‌زعم فرزندان او درک درستی از آنها نداشت (زینکین ۱۳۷۷: ۹۲).

اگرچه گاندی به همسر و فرزندان عشق می‌ورزید؛ ولی در سرگذشت خودنوشت او محبت او نسبت به مادر قابل تأمل است. برای اینکه مادر خود را شاد کند از مادر و محدودیت‌های

مذهبی او تبعیت می کرد. عشق مفرط او به مادر باعث شده بود که در دوران دانشجویی در انگلیس غم دوری مادر او را ناراحت کند و پس از پایان تحصیلات و بازگشت به وطن شنیدن خبر مرگ مادر ضربه سنگینی برای او محسوب شود (گانندی ۱۳۹۲: ۷۱، ۳۶۱).

خانواده گانندی نسبت به ادامه تحصیل او در انگلیس نظر مثبتی نداشتند به این دلیل که آن‌ها از تغییر سبک زندگی او می ترسیدند (رولان و گانندی ۱۳۶۶: ۶۳). البته این ترس خانواده تا حدودی بجا بود؛ ولی گانندی جوان توانست خود را از گرداب بحران هویتی در انگلیس برهاند. پس از ازدواج تصمیم گرفت همسرش را نیز از نعمت سواد بهره مند کند ولی همسرش با او همراهی نکرد. چون در آن زمان تحصیل و سوادآموزی میان زنان مرسوم نبود (زینکین ۱۳۷۷: ۱۷). گانندی غالباً مصلحت‌های اجتماعی را به مصلحت‌های خانوادگی و شخصی ترجیح می داد و باعث رنجش خاطر اعضای خانواده می شد؛ ولی در سال‌های پایانی زندگی، اعضای خانواده و خصوصاً همسر نیز در این امور با گانندی همراهی می کردند.

گانندی اگرچه همسرش را به فعالیت‌های سیاسی مجبور نمی کرد؛ ولی به خاطر اصرار زیادی که به ریاضت کشیدن خود و دوستانش داشت، دو تن از پسرانش از ریاضت فراری شدند (زینکین ۱۳۷۷: ۱۰۵).

گانندی اگرچه پیش از دوران دانشجویی خود، در هند روزنامه نخوانده بود و در انگلیس هم مجبور بود برای تقویت زبان انگلیسی خود روزنامه بخواند (رولان و گانندی ۱۳۶۶: ۳۲؛ گانندی ۱۳۹۲: ۷۴)، ولی پس از آن استفاده‌های به جا و مناسبی از روزنامه‌ها داشت. به عنوان مثال برای بیان برخی مشکلات اجتماعی سریع به روزنامه‌ها نامه می نوشت یا اینکه شخصاً اقدام به انتشار نشریه‌های هفتگی در آفریقا و هند نمود. در سال ۱۹۰۴ در انتشار روزنامه «ایندیال آپینون» همکاری داشت و برای ادامه آن کمک‌های مالی بسیاری هزینه کرد (زینکین ۱۳۷۷: ۴۹، ۸۳؛ رولان و گانندی ۱۳۶۶: ۷۳؛ گانندی ۱۳۹۲: ۳۱۷-۳۱۶).

مطالعه کتاب برای گانندی از حد علاقه فراتر رفته بود جنبه کاربردی برای او داشت. به این ترتیب که حتی برای شستشوی لباس هم ابتدا کتاب‌هایی در این باره مطالعه می نمود (گانندی ۱۳۹۲: ۲۴۲). به طور کلی مطالعات گانندی را می توان به دودسته تقسیم کرد. مطالعات مذهبی و غیرمذهبی. گانندی اگرچه پیش از دوران دانشجویی حتی با دین خود - دین هندو - آشنایی نداشت، ولی به واسطه دوستانش به مطالعه ادیان دیگر تشویق شد و به این ترتیب مطالعات خود را در زمینه مسیحیت، اسلام، زرتشت، هندو، یوگا و ... گسترش داد و از هر دین بخش‌های دلخواه خود را برگزید و در عمل بعد از مشورت با علمای دین هندو نسبت به انجام آن‌ها اقدام کرد. مطالعه در

زمینه‌های غیردینی شامل موارد زیر می‌شود: گیاهخواری، زندگی ساده، درباره شستشوی لباس، درزمینه حقوق، تاریخ، پرستاری و امور بهداری، تربیت فرزند و ...

گانندی از زمانی که خود را شناخت ملاحظه دخل و خرج خود را می‌نمود. به‌عنوان مثال برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها بجای استفاده از وسایل نقلیه، پیاده‌روی می‌کرد (گانندی ۱۳۹۲: ۸۰) و به جای صرف غذا در رستوران، در خانه غذا را طبخ می‌کرد. همچنین گانندی برخی لوازم منزل را به‌منظور صرفه‌جویی در هزینه‌ها تهیه کرده بود مانند بخاری برای طبخ غذا (گانندی ۱۳۹۲: ۷۹)، وسیله لباسشویی و آسیاب دستی.

گانندی برای آشنایی با زندگی مردم فقیر هند، تصمیم گرفت با قطار درجه ۳ به دور هند سفر کند (رولان و گانندی ۱۳۶۶: ۲۷۱). او به‌عنوان یک وکیل دعاوی از همه ثروت خود برای مردم هند چشم‌پوشی کرد. او مردم را به مصرف کالاهای داخلی برای احیای صنایع دستی روستایی تشویق می‌کرد و معتقد بود مردم باید مصرف منسوجات خارجی را تحریم کنند (رولان و گانندی ۱۳۶۶: ۱۳۰، ۱۶۴).

گانندی به ساده‌ترین شکل ممکن برای یک وکیل دعاوی، زندگی می‌کرد و برای کاستن از هزینه‌ها تلاش می‌کرد (زینکین ۱۳۷۷: ۳۴۲). در خانه نان می‌پخت و اغلب بدون خدمتکار زندگی می‌کرد (گانندی ۱۳۹۲: ۸۲). حتی برای شباهت به فقیرترین مردم، اگر دندانش می‌افتاد، بدون دندان زندگی می‌کرد (گانندی ۱۳۹۲: ۱۴۵).

منازلی که گانندی در آن‌ها زندگی کرد اغلب ساده بودند. در دوران دانشجویی ابتدا دو اتاق کرایه کرد؛ ولی برای صرفه‌جویی بیشتر نهایتاً به یک اتاق بسنده کرد (گانندی ۱۳۹۲: ۸۰، ۸۲). در ژوهانسبورگ آفریقا در ساده‌ترین منزل ممکن برای یک وکیل زندگی می‌کرد (گانندی ۱۳۹۲: ۳۴۲). در ناتال خانه خوب و منظم و مناسب وضعیت و مقام خود داشت، عمارت خوب و آبرومند و مبله شده‌ای بود (گانندی ۱۳۹۲: ۱۹۱). در سال‌های پایانی عمر نیز در مزرعه‌ای کوچک در حوالی دوربان با همراهان خود زندگی می‌کرد و حتی دفتر مجله را نیز به این محل انتقال داد (زینکین ۱۳۷۷: ۸۴).

گانندی اعتقاد عجیبی به وقت‌شناسی داشت (رولان و گانندی ۱۳۶۶: ۲۷۱) و در تمام عمر مانند ساعت دقیق بود و از تأخیر در امور نفرت داشت (زینکین ۱۳۷۷: ۱۷۰). او همیشه سحرخیز بود حتی در مسافرت (رولان و گانندی ۱۳۶۶: ۲۱۰)، به‌طور کلی فردی بود با خواب کم و کار بی‌وقفه (کیا ۱۳۷۴: ۹).

ایشان در سال‌های پایانی عمر در پاسخ دعوت به اروپا برای گردش و سیاحت و معالجه ابراز

بی‌علاقگی کرده بود (رولان و گاندی ۱۳۶۶: ۱۶۱).

گاندی در دوران جوانی تلاش بسیاری در جهت آراستگی خود انجام می‌داد. به‌عنوان مثال یکی از دغدغه‌های او هنگام ورود به انگلیس متفاوت بودن وضع ظاهرش با مردم آنجا بود. پس از مستقر شدن در انگلیس تلاش بسیاری در جهت شبیه کردن خود با محیط آنجا انجام داد (زینکین ۱۳۷۷: ۲۹؛ گاندی ۱۳۹۲: ۶۹). حتی این دغدغه را نسبت به وضعیت ظاهر اعضای خانواده خود نیز داشت و لباس زرتشتیان پارسی را برای آن‌ها انتخاب کرده بود (گاندی ۱۳۹۲: ۲۱۸). ولی در سال‌های پایانی عمر خود به شکلی بود که گویا اصلاً آراستگی برای او اهمیتی نداشت. جامه‌ای با پارچه‌های زمخت سفید می‌پوشید و با پای برهنه رفت‌وآمد می‌کرد. حتی در سفری که سال‌های پایانی عمر به اروپا داشت همچنان با لباس‌های عادی روزانه و پابرهنه بود (رولان و گاندی ۱۳۶۶: ۲۷۲).

پاکیزگی و نظافت برای گاندی به قدری اهمیت داشت که در انگلیس تلاش کرد که خود اصلاح موی سر و ریش‌تراشی را یاد بگیرد (گاندی ۱۳۹۲: ۲۴۵). یکی از نارضایتی‌ها و ناراحتی مهم گاندی از مردم کشورش این بود که درمل‌آعام و در کنار رودخانه‌ها قضای حاجت می‌کردند. او تلاش زیادی برای آموزش رعایت بهداشت عمومی مردم انجام داد (گاندی ۱۳۹۲: ۴۲۴؛ زینکین ۱۳۷۷: ۹۶).

از سنین نوجوانی در فعالیت‌های ورزشی مهارتی نداشت و این کمبود را به‌وسیله پیاده‌روی‌های طولانی در خود تقویت می‌کرد. دلیل دیگر او برای پیاده‌روی‌های طولانی صرفه‌جویی در هزینه‌هایی بود که صرف رفت‌وآمد با وسایل نقلیه می‌شد. نهایتاً به مرحله‌ای رسید که به تمرین‌های بدنی سخت معروف شد (زینکین ۱۳۷۷: ۸۰، ۱۳۹). حتی راه رفتن او شبیه دویدن بود و اطرافیان را خسته می‌کرد (رولان و گاندی ۱۳۶۶: ۳۶۱). گاندی حتی برای اعتراض‌های سیاسی خود از فعالیت‌های بدنی مایه می‌گذاشت. پیاده‌روی‌های طولانی تا ۱۹ کیلومتر در روز از نمونه‌های آن محسوب می‌شود (زینکین ۱۳۷۷: ۱۳۹).

گاندی به دلیل تعصبی که در گیاهخواری داشت ناچار تغذیه‌اش ساده بود. دوران دانشجویی ناهار را معمولاً در رستوران‌های گیاهخواری می‌گذراند و شام سبک مثل نان و کاکائو می‌خورد. صبحانه را نیز خود روی بخاری آماده می‌کرد مثل فرنی (زینکین ۱۳۷۷: ۱۸، ۳۵؛ گاندی ۱۳۹۲: ۸۲).

گاندی مانند همه اعضای کاست خود گیاهخوار متعصبی بود و مصرف برخی مواد غذایی مانند تخم‌مرغ، گوشت گاو، سوپ جوجه برای آن‌ها ممنوع بود و گناه بزرگی محسوب می‌شد.

حتی پیش از رفتن به انگلیس برای ادامه تحصیل، مادر از او خواست سوگند یاد کند که در انگلیس به شراب و گوشت نزدیک نمی‌شود (گانندی ۱۳۹۲: ۶۵؛ زینکین ۱۳۷۷: ۱۸، ۷۹، ۸۵). به این ترتیب در انگلیس زمان زیادی صرف جستجوی غذا و رستوران گیاهی کرد. او از شیرینی و ادویه و چای و قهوه و شیر و نمک پرهیز می‌کرد و سبزیجات پخته و خام مصرف می‌کرد (زینکین ۱۳۷۷: ۷۴؛ گانندی ۱۳۹۲: ۸۵-۸۴) و به فندق و گردو علاقه داشت (رولان و گانندی ۱۳۶۶: ۳۰۱). دوره‌ای هم به میوه‌خواری روی آورد و غذای پخته استفاده نمی‌کرد (رولان و گانندی ۱۳۶۶: ۱۴۲؛ زینکین ۱۳۷۷: ۸۶). گانندی حتی برای کنترل شهوت از رژیم غذایی استفاده می‌کرد. به این منظور به رژیم میوه تازه و انواع تنقلات روی آورد. البته او در این امر روزه را مهم‌تر از رژیم غذایی می‌دانست (گانندی ۱۳۹۲: ۳۵۱، ۳۶۰). همچنین او پس از مدتی که خود را از خوردن شیر محروم کرده بود و دیگران را نیز به این امر تشویق می‌کرد، تغییر عقیده داد و مردم را به مصرف آن دعوت کرد (گانندی ۱۳۹۲: ۳۰۵-۳۰۴). در سال‌های پایانی و در مزرعه، مواد غذایی موردنیاز خود و دوستان را می‌کاشتند. همچنین برخی مواد غذایی در مزرعه گانندی ممنوع بود مانند چای، قهوه، نوشیدنی، گوشت و تنباکو (زینکین ۱۳۷۷: ۸۵؛ رولان و گانندی ۱۳۶۶: ۸۱). گانندی حتی در زندان هم به دعا و عبادت و تزکیه نفس و صفای باطن می‌پرداخت (رولان و گانندی ۱۳۶۶: ۴۶).

او همیشه در مراسم دعا و نیایش شرکت می‌کرد؛ ولی از درگاه خداوند هیچ آرزویی طلب نمی‌کرد (رولان و گانندی ۱۳۶۶: ۳۶۱). گانندی حتی روزه سیاسی را وسیله استغفار گناهان می‌دانست (رولان و گانندی ۱۳۶۶: ۲۳۴). سیزده فصل از کتاب مقدس را حفظ نمود (گانندی ۱۳۹۲: ۲۹۶) و همان‌طور که دوست داشت، یعنی درحالی که نام خدا بر لبانش بود جان سپرد (زینکین ۱۳۷۷: ۱۷۱). او هندوی متعصبی بود و دین هندو را به سایر ادیان ترجیح می‌داد اگرچه به کاستی‌های احتمالی آن معترف بود، ولی به حدود آن پایبند بود (رولان و گانندی ۱۳۶۶: ۳۸؛ خجسته کیا ۱۳۷۴: ۱۰۸).

گانندی در رشته حقوق تحصیل کرد و پس از سه سال توانست مدرک وکالت خود را دریافت کند (زینکین ۱۳۷۷: ۳۹). در دوره دانشجویی خود در انگلیس در کلاس‌های زبان فرانسه، روش‌های سخنوری، موسیقی و رقص شرکت می‌کرد و برای اینکه بتواند اطلاعات عمومی خود را افزایش دهد و بدون صرف هزینه اضافی برای این منظور در امتحانات نهایی دبیرستان‌های انگلیس شرکت کرد (گانندی ۱۳۹۲: ۷۸-۷۷، ۸۰). قبل از شروع وکالت به مطالعه قانون هند پرداخت (زینکین ۱۳۷۷: ۴۱). از طرفی برای آشنایی بیشتر با مسلمانان به فراگیری زبان

اردو پرداخت (گانندی ۱۳۹۲: ۱۹۵). پس از دوران تحصیل تنها جایی که فرصت مطالعه داشت زندان بود و در زبان اردو و تامیل به پیشرفت زیادی دست پیدا کرد (زینکین ۱۳۷۷: ۱۹۶). در واقع گانندی معتقد به تحصیلات حرفه‌ای بود نه تحصیلات رسمی مثل کشاورزی، آشپزی، چاپ مجله و اموری از این قبیل. او حتی برای روستاییان قائل به آموزش اولیه بود. آموزش‌هایی از قبیل خواندن و نوشتن، باغبانی، نجاری و بافندگی، نخ‌ریسی، کندن مستراح، ریاضیات مقدماتی. گانندی در مزرعه‌ای که با دوستان خود زندگی می‌کرد برای کودکان زیر ۱۲ سال مدرسه‌ای تأسیس کرد و آموزش همه‌جانبه برای آن‌ها تدارک دیده بود. چراکه او اعتقاد به عدم کارآیی نظام فعلی مدارس برای پرورش روحی و اخلاقی کودکان داشت (زینکین ۱۳۷۷: ۱۵۷، ۹۲؛ رولان و گانندی ۱۳۶۶: ۹۶).

گانندی از برخی هم‌عصران مانند ریچارد بهای، تولستوی، هندی پولاک، جان راسکین، هنری دیوید روژو تأثیرات زیادی گرفته بود (گانندی ۱۳۹۲: ۱۱۷، ۱۱۸؛ کیا ۱۳۷۴: ۱۹؛ زینکین ۱۳۷۷: ۲۰).

سرگذشت خود را با عنوان داستان تجربه من با حقیقت به رشته تحریر درآورد (زینکین ۱۳۷۷: ۱۲۷). در دوره زندان کتابی درباره ماهیت خدا نوشته بود (زینکین ۱۳۷۷: ۱۵۴). ترجمه و مقاله‌نویسی در مجلات و روزنامه‌ها نیز از آثار قلمی گانندی محسوب می‌شود (گانندی ۱۳۹۲: ۱۷۹، ۱۹۹، ۳۱۷، ۳۰۳).

گانندی مانع تحصیلات دانشگاهی فرزندانش شد؛ ولی در مزرعه خود مدرسه‌ای برای کودکان زیر ۱۲ سال تأسیس کرد و این مسئله‌ای بود که باعث اعتراض فرزندانش شد. او معتقد بود آموزش ادبیات به کودکان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف محسوب می‌شود و آموزش صنعتی و کشاورزی را برای دختران و پسران راهی برای بهبود زندگی می‌دانست. او همچنین برای آموزش به روستاییان جهت حفظ پاکیزگی معابر به نظافت خیابان‌ها و روستاها می‌پرداخت (زینکین ۱۳۷۷: ۹۲، ۱۵۷).

۸. مقایسه سبک زندگی امام خمینی، ماندلا و گانندی

در مجموع بررسی مقایسه‌ای سبک زندگی امام خمینی، ماندلا و گانندی بر اساس مؤلفه‌های هشت‌گانه نشان می‌دهد که رهبران انقلابی به خاطر مشغله‌های سیاسی و اجتماعی‌ای که داشتند ناچار از خانواده‌های خود دور می‌شدند. در میان این رهبران، ماندلا به دلیل زندگی مخفیانه و سپس زندان طولانی‌مدت از خانواده بسیار دور بود و حتی حسرت تربیت فرزندانش را

داشت؛ ولی در هیچ شرایطی از ابراز عشق و محبت به خانواده و همسر خود دریغ نمی کرد حتی اگر در حد نوشتن نامه از زندان باشد. گاندی نیز اگرچه در پایان عمر به همراه گروهی از دوستان و طرفداران و خانواده در مزرعه‌ای در کنار یکدیگر زندگی می کردند؛ ولی به‌غیر از دوران تحصیل در انگلیس همه تلاش خود را کرد که خانواده را در کنار خود داشته باشد. گاندی اگرچه عاشقانه همسر خود را دوست می داشت؛ ولی به دلیل رفتار ارباب گونه‌ای که با همسر خود داشت اکثر اوقات تنش و جروب‌بحث میان آن‌ها وجود داشت. نسبت به فرزندان خود نیز به گونه خاصی رفتار می کرد. اگرچه خود فردی تحصیل کرده بود؛ ولی به فرزندان اجازه تحصیلات رسمی نداد و خود به آن‌ها آموزش کاربردی می داد که در نهایت خود گاندی نیز از نتیجه کارش راضی نبود. فرزندان نیز همیشه نسبت به این کار معترض بودند. البته در مورد همسر نیز اقدام به آموزش سواد به ایشان کرد؛ ولی همسرش، خود علاقه‌ای به این امر نشان نداد. شرایط امام خمینی در رفتار نسبت به اعضای خانواده به گونه‌ای دیگر بود. ایشان قبل از آغاز مبارزات به شدت درگیر مطالعه و تدریس و تألیف آثار علمی بود؛ ولی باوجود این از وقت گذاشتن برای همسر و فرزندان دریغ نمی کرد. در دوران مبارزه به غیر مدت تبعید ترکیه که به دلیل شرایط نامناسب راضی نبود همسرش او را همراهی کند، در تمام سال‌های دشوار نجف و پس از آن، همیشه در کنار همسرش بود. رابطه‌ای بسیار صمیمانه و محبت آمیز توأم با احترام زیاد بین آن‌ها حاکم بود. در مورد فرزندان نیز این محبت و احترام وجود داشت و اهمیت زیادی به تحصیل فرزندان می داد. در مورد پیوستن پسران به حوزه علمیه صرفاً پیشنهاد می داد و البته ابراز علاقه می کرد. دختران و حتی همسر ایشان نیز قادر به ادامه تحصیل بودند و امام خمینی آن‌ها را به این امر تشویق می کرد.

رهبران انقلابی در اکثر موارد به حمایت خانواده برای ادامه راهشان نیاز داشتند و از طرفی شاید مانند همه پدران معمولی نمی توانستند در خدمت خانواده باشند؛ ولی به گفته ماندلا همه کودکان سرزمین فرزندان او بودند.

درزمینه مصرف مادی هر سه رهبر انقلابی به شدت نسبت به مصرف بیش از حد حساس بوده و تلاش می کردند از همه چیز در حد نیاز استفاده کنند. گاندی که می گوید از زمانی که خود را شناختم متوجه شدم که باید در هزینه‌ها صرفه‌جویی کنم. امام خمینی نیز باوجود اینکه از تمکن مالی برخوردار بود؛ ولی به شکلی خودخواسته زندگی بسیار ساده را انتخاب کرده بود و به شدت نسبت به اسراف و مصرف بیش از اندازه حساس بود. امام خمینی حتی وضعیت زندان یا شرایط سخت تبعید را از منزل خود بهتر توصیف می کرد. ماندلا نیز اگرچه در آغاز زندگی

مستقل خود تا مدت‌ها طعم فقر را چشید و در دوران مبارزه نیز مدام از کار تعلیق می‌شد و ناچار بودند با حقوق همسرش زندگی کنند، در سال‌های پس از زندان نیز از مصرف بیش از اندازه خودداری می‌کرد؛ ولی در دورانی که به‌عنوان یک وکیل سیاه‌پوست در عرصه اجتماع ظاهر شد، همه تلاش خود را می‌کرد که با مصرف‌گرایی شکل متفاوتی از یک سیاه‌پوست را به نمایش بگذارد و از این طریق در چشم قضات و موکلان خوب جلوه کند. شاید بتوان این‌گونه مطرح کرد که انقلاب با مصرف‌گرایی سنخیتی ندارد، زندگی رهبران انقلابی نشان می‌دهد این دوری از مادیات و مصرف مادی باعث جذب بیشتر مردم به سوی اهداف و آرمان‌های این رهبران بوده است.

مصرف فرهنگی هر سه رهبر مورد بررسی در حد بسیار بالایی است. در زمانه گاندی بیشتر روزنامه و کتاب در دسترس بوده است که وی نهایت استفاده را از این محصولات داشته است. تا جایی که خود اقدام به انتشار روزنامه کرد و در بسیاری از زمینه‌های مورد نیاز خود و اطرافیان به مطالعه کتاب‌های مرتبط می‌پرداخت. ماندلا نیز اگرچه در سالیان زندان دست از مطالعه نکشید، ولی پیش از آن به خاطر مبارزات سیاسی، خود را مقید به مطالعه در این زمینه کرده بود. امام خمینی نیز از جمله روحانیونی محسوب می‌شد که سطح مطالعه بالایی داشت و استفاده زیادی از روزنامه و رادیو داشت. تلویزیون هم در ساعات پخش برنامه حتماً تماشا می‌کرد. در واقع هر سه این رهبران انقلابی از خلال مطالعات فراوان در زمینه‌های مختلف و تجزیه و تحلیل‌های خود به پی‌ریزی مبارزات خود اقدام نموده‌اند.

هر سه رهبر انقلابی به شدت نسبت به نظم و استفاده مفید از وقت حساس بودند. نکته مهم‌تر اینکه در کنار همه مشاغلی که داشتند خصوصاً امام خمینی و ماندلا به بحث تفریح و سرگرمی اهمیت می‌دادند. اگرچه گاندی در اواخر عمر این‌گونه مطرح می‌کند که اصلاً تفریح و سرگرمی نداشته؛ ولی شاید بتوان مطالعه بیشمار او و پیاده‌روی‌های مسیر خانه تا محل کار را نیز به‌نوعی برای او جزء کارهای سرگرم‌کننده محسوب کرد. همان‌گونه که برای امام خمینی و ماندلا نیز می‌توان مطالعه را یکی از موارد سرگرمی به شمار آورد. امام خمینی ساعتی از روز را که متعلق به خودشان بود ترجیح می‌داد در کنار خانواده و همسرش باشد و یا به پیاده‌روی می‌پرداخت. ماندلا این ساعات را بیشتر به ورزش و باشگاه ورزشی همراه پسرش می‌گذراند.

در زمینه مدیریت بدن گذشته از اینکه هر سه رهبر اهل ورزش و خصوصاً پیاده‌روی بودند، نکته مهم اهمیتی بود که به بهداشت و پاکیزگی خود و محیط اطراف خود می‌دادند. باوجود این، اگرچه امام خمینی و ماندلا تا آخر عمر به آراستگی خود اهمیت می‌دادند، ولی گاندی در

سال‌های پایانی عمر خود با ظاهری بسیار ساده و نیمه عریان و پایی بدون کفش در اجتماع ظاهر می‌شد.

تغذیه هر سه بسیار ساده بود. گاندی که به دلیل گیاهخوار بودن بیش از دیگران به این سادگی دامن می‌زد. ماندلا نیز به دلیل زندانی بودن امکانی جز تغذیه ساده نداشت. امام خمینی نیز که انتخابی خودخواسته در این زمینه داشت.

به لحاظ دین‌داری امام خمینی و گاندی در موقعیت قوی‌تری نسبت به ماندلا بودند. ماندلا دین را خصوصاً در زندان برای تحمل شرایط مفید می‌دانست؛ ولی گاندی به دلیل تعصب زیادی که داشت به مطالعه در زمینه ادیان پرداخت و در همه زندگی او نقش داشت. امام خمینی نیز به‌عنوان مرجعیت دینی جامعه، دین نقش پررنگی در زندگی ایشان داشت.

در زمینه تحصیل و علم‌آموزی هر سه رهبر مورد مطالعه، اهل تحصیلات تخصصی بودند. امام خمینی که تدریس و شاگرد پروری بخش مهمی از زندگی‌شان را شامل می‌شد. گاندی و ماندلا نیز هر دو وکیل بودند و تحصیلات دانشگاهی آن‌ها را به سمت فعالیت‌های اجتماعی سوق می‌داد.

۹. نتیجه‌گیری

همان‌گونه که نظریه پردازان سبک زندگی معتقدند سبک زندگی علاوه بر بیان هویت فردی، هویت گروهی و اجتماعی افراد (زیمل، گیدنز و بوردیو)، تفاوت بین گروهی و برتری‌های منزلتی را نیز نشان می‌دهد (وبر) و از سویی دیگر همبستگی درون گروهی و طبقاتی را نیز به تصویر می‌کشد (زیمل). طبیعتاً زمانی که هر فرد و گروهی هویت فردی یا گروهی خود را از طریق سبک زندگی ابراز می‌کند، انقلابیون نیز به‌عنوان بخشی از جامعه از این امر مستثنا نیستند. در واقع سبک زندگی هم یکی از مصادیق انسجام و همبستگی درون گروهی برای آن‌ها محسوب می‌شود و هم عاملی برای مجزا شدن آن‌ها از دیگران به شمار می‌آید. این مسئله در مورد گاندی به‌طور مشخص در سال‌های پایانی عمر وی خود را نشان می‌دهد که به همراه هم‌فکرانش در مزرعه‌ای زندگی می‌کردند و سبک زندگی دلخواه خود را که نشان از هویت ضد استعماری آن‌ها بود به نمایش می‌گذاشتند. از تولید و مصرف داخلی و تعلیم و تربیت مطابق فرهنگ هندوستان به کودکان گرفته تا آموزش‌های بهداشتی و کاربردی زندگی همه و همه متفاوت با سبک زندگی بود که از سوی رژیم حاکم تبلیغ می‌شد. یا اینکه در زندگی امام خمینی مشاهده این نکته خصوصاً در ایام تبعید نجف بسیار قابل تأمل است که ایشان تلاش

زیادی داشتند که زندگی شان علاوه بر اینکه با سبک زندگی مورد ترویج رژیم تفاوت داشته باشد، با زندگی عامه مردم در ایران و حتی زندانیان تفاوتی نداشته باشد. از طرفی سبک زندگی امام به نوعی این نکته را به انقلابیون گوشزد می کرد که رفاه و راحتی در زندگی ایشان راهی ندارد و به این وسیله انقلابیون واقعی را به دور خود جذب می کردند. از آنجا که ماندلا حدود سی سال از عمر و مبارزات خود را در زندان گذرانید شرایط متفاوتی داشت. او باید بر سبک زندگی تحمیلی زندان فائق می آمد تا با این طریق به خانواده، دوستان و طرفداران خود بفهماند زندان او را از پای درنیورده است.

زیمل، وبر و گیدنز صریحاً اشاره نموده اند که یکی از مؤلفه های مهم سبک زندگی، اختیاری و انتخابی بودن آن است. گیدنز معتقد است در برخی موارد انتخابی بودن سبک زندگی جنبه تقلیدی نیز پیدا می کند و افراد چاره ای جز این کار ندارند و به عقیده وی برای کسب منزلت است که به الگوبرداری و تقلید از طبقات بالا می پردازند. رهبران انقلابی در مسیر زندگی انقلابی خود قطعاً ناچار از انتخاب سبک زندگی خاص خود بودند؛ ولی اغلب در این مسیر مقلد نبودند بلکه خود سرسلسله تقلید برای طرفداران خود محسوب می شدند. اتفاقاً همه تلاش آن ها این بوده که سبکی متفاوت از سبک طبقه مسلط از خود بروز دهند و به این ترتیب آن ها و مجموعه طرفدارانشان سبکی در زندگی اختیار کرده بودند که نقطه مقابل سبک زندگی طبقه مسلط بود؛ ولی بوردیو معتقد است گاه افراد تحت تأثیر سلطه هژمون طبقات مسلط قرار می گیرند و اینجاست که اختیار و انتخاب آن ها به دلیل مشروعیت بخشی طبقات مسلط نسبت به سبک زندگی، جنبه تقلیدی پیدا می کند. برخلاف دیدگاه بوردیو از آنجا که انقلابیون در راه مبارزه با همین هژمونی قدم برمی دارند، اسیر هژمونی طبقات مسلط جامعه نمی شوند و برعکس با تقلید از سبک زندگی رهبران خود و انتخاب هویت انقلابی برای خود در راه مبارزه قدم پیش می گذارند. از طرفی سبک زندگی ضد مصرف مادی این سه رهبر انقلابی در مقابله با نظام های سیاسی زمان خود طبیعتاً باعث ایجاد فضای اطمینان بخش و انسجام بخش در میان انقلابیون شده است. در اینجا مصرف نه تنها ابزار نشان دادن تمایز است بلکه وسیله ایجاد تمایز نیز است. به این رهبران با سبک زندگی ضد مصرف گرایی، خود و یارانشان را از جامعه مصرف زده متمایز کردند. شاید مهم ترین نکته نیز همین مسئله باشد در شرایطی که مصرف اهمیت زیادی در جوامع دارد، یک رهبر انقلابی با همه توان خود در مقابل این شرایط می ایستد.

بوردیو معتقد است که مصرف و خصوصاً مصرف فرهنگی، ابزاری برای بازتولید فرهنگی و مشروعیت سازی و مبارزه در فضای اجتماعی محسوب می شود. توجه به سبک زندگی این

رهبران انقلابی نشان می‌دهد که این رهبران انقلابی با اینکه استراتژی ضد مصرف داشتند؛ ولی در بحث کالاهای فرهنگی، شاید بتوان عنوان پرمصرف را به آنان اطلاق کرد. رهبران انقلابی مورد مطالعه، مطابق شرایط و امکاناتی که در دوره زمانی خود داشتند از محصولات فرهنگی و رسانه‌های روز استفاده می‌کردند. در واقع بنا به گفته بوردیو از این طریق به تولید فرهنگی و مشروعیت سازی برای مبارزه دست می‌زدند. به این ترتیب می‌توان این گونه اظهار نظر کرد که سبک زندگی رهبران انقلابی که به اختیار خود انتخاب می‌کرده‌اند، نیز یکی از ابزارهای مبارزاتی آن‌ها محسوب می‌شده است.

در نهایت همان‌طور که مطرح شد، علی‌رغم برخی تفاوت‌ها که بعضاً مهم نیز هست هر سه این رهبران تقریباً سبک زندگی مشابهی داشته‌اند و در بیشتر شاخص‌ها، مشابهت‌های آن‌ها بیشتر از تفاوت‌هایشان است و این امر نشان می‌دهد که جدا از تفاوت شرایط اجتماعی و فرهنگی و به‌ویژه سیاسی که این سه رهبر با آن مواجه بوده‌اند؛ ولی هر سه آن‌ها سبک زندگی نسبتاً مشابهی را اختیار کرده بودند و شاید بتوان گفت تأثیرگذاری اقدامات و مبارزات این سه رهبر و ماندگاری یاد و آرمان‌هایشان به همین ویژگی مشترک سبک زندگی آن‌ها برمی‌گردد.

منابع

- استنگل، ریچارد. (۱۳۹۴) *راه ماندلا: پانزده درس در باب زندگی، عشق و شجاعت*، تهران: انتشارات عطائی.
- باکاک، رابرت. (۱۳۸۱) *مصرف*، با ترجمه خسرو صبری، تهران: انتشارات شیرازه.
- بشیریه، حسین. (بی‌تا) *ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی ایرانیان*. www.ketabnak.com.
- پناهی، محمدحسین. (۱۳۹۱) *نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها*، تهران: انتشارات سمت.
- ثقفی، علی. (۱۳۹۴) *بانوی انقلاب، خدیجه‌ای دیگر: زندگی‌نامه خانم خدیجه ثقفی همسر امام خمینی (س)*.
- *بر اساس دست‌نوشته‌ها و خاطرات*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- حسینی، محمدحسین و دیگران. (۱۳۹۶) «مفهوم‌سازی سبک زندگی فرهنگی»، *جامعه پژوهی فرهنگی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره اول.
- خادمیان، طلیعه. (۱۳۸۸) *سبک زندگی و مصرف فرهنگی: مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و دیباچه‌ای بر سبک زندگی فرهنگی ایرانیان*، تهران: انتشارات جهان کتاب.
- رجایی، غلامعلی. (۱۳۷۹) *برداشت‌هایی از سیره امام خمینی*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، جلد پنجم.
- رودسری، حسین. (۱۳۷۸) *پرتوی از خورشید (مجموعه ۳۶۵ خاطره از زندگی امام خمینی)*، تهران:

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- رولان، رومن و ماهاتما گاندی. (۱۳۶۶) **مکاتبات و خاطرات**، ترجمه حسن تقی زاده میلانی، تهران: انتشارات عصر جدید.

- زینکین، تایا. (۱۳۷۷) **سرگذشت گاندی**، ترجمه علی شریفی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- سبحانی نیا، محمدرضا و سعید رضا علی عسگری. (۱۳۸۰) **مهر و قهر (گلچینی از لطافت‌ها و صلابت‌ها در زندگی امام خمینی)**، اصفهان: انتشارات مرکز فرهنگی شهید مدرس.

- ستوده، امیررضا. (۱۳۸۰) **یا به پای آفتاب؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی**، تهران: نشر پنجره.

- شیرعلی نیا، جعفر. (۱۳۹۳) **دایرةالمعارف مصور تاریخ زندگی امام خمینی**، تهران: نشر سایان/عابد.

- طباطبایی، فاطمه. (۱۳۹۰) **اقلیم خاطرات**، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲) **مصرف و سبک زندگی**، قم: انتشارات صبح صادق.

- الفت، سعیده و آزاده سالمی. (۱۳۹۱) **مفهوم سبک زندگی، مجله مطالعات سبک زندگی**، سال اول،

شماره اول.

- قادری، علی. (۱۳۹۴) **امام خمینی برای نسل سوم**، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

- قادری، علی. (۱۳۹۴) **یک قرن زندگی پرماجر: سال شمار زندگی قدس ایران بر اساس خاطرات و خیال**،

تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی و موسسه فرهنگی منادی تربیت، جلد اول.

- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰) **عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، قدرت هویت**، ترجمه حسن چاووشیان،

تهران: انتشارات طرح نو.

- کیا، خجسته. (۱۳۷۴) **ماهاتما گاندی؛ در جستجوی حقیقت**، تهران: انتشارات مرکز.

- گاندی، موهنداس کارمچاند. (۱۳۹۲) **گاندی؛ سرگذشت ماهاتما گاندی (داستان تجربه‌های من یا راستی)**،

ترجمه مسعود برزین، تهران: نشر ثالث.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸) **تجدد و شخص**، تهران: نشر نی.

- ماندلا، نلسون و ورنه هریس. (۱۳۹۰) **پندارها و گفتارها؛ خودگویی‌های من**، ترجمه علی اکبر عبدالرشیدی،

تهران: انتشارات اطلاعات.

- ماندلا، نلسون. (۱۳۷۴) **راه دشوار آزادی؛ خاطرات نلسون ماندلا**، ترجمه مهوش غلامی، تهران: انتشارات

اطلاعات.

- ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۸۹) «ایدئولوژی و رهبری و تأثیر آن بر پیروزی و ثبات و بازتاب جهانی آن»،

فصلنامه سیاست، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲.

- مهدوی کنی، محمد سعید. (۱۳۸۶) *دین و سبک زندگی؛ مطالعه موردی شرکت کنندگان در جلسات مذهبی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. (۱۳۸۷) *خاطرات خادمان و پاسداران امام خمینی*، تهران: چاپ و نشر عروج.
- Bourdieu, P. (1984) *Distinction*, London: RouHdege and Kegan Paul.
- Cockerham.w.c. (1997) "The social Determinants of Decline of Life Exptancy in Russia and Eastern Europe: A Life Style Explanation", *Jornal of Health and Social Behavior*, Vol.38,PP.131-148.
- Simmel.G.(1990) *The Philosophy of Money, Second The Philosophy of Money Tom Bohomer & Pavid Frisby(tr.)*, *Seconden larged Ed*, NewYork, Routledge.